

# پرافتخار باد خاطره شهیدان ۱۶ آذر

## دوقضاوت نادرست در باره تاریخ گذشته حزب ما

انکار مطلق از سونئی و توجیه مطلق همه چیز از سوی دیگر

تاریخ گذشته حزب توده ایران در گرفته است. صرف نظر از تفاوتی که در برخورد و برداشت و نحوه استدلال بین گروههای مختلف دیده میشود، بطور عمده دو نوع قضاوت در این بحث حاکم است:

در قضاوت نوع اول مجموعه فعالیت حزب ما در گذشته منفی ارزیابی میشود. حامل عمده این قضاوت «ایران آزاد» و هواداران آنست. در قضاوت نوع دوم مجموعه فعالیت حزب توده ایران تا انشعاب اخیر مثبت ارزیابی میگردد. دنباله در صفحه ۳.

طرح مسئله

در این اواخر پیشین «توفان» و «ایران آزاد» و همچنین در ستارهای دانشجویی بحثی در باره



## پاینده باد خاطره قیام قهرمانانه ۲۱ آذر!

بموازات اقدامات دموکراتیک حکومت آذربایجان در کردستان نیز یک سلسله اصلاحات ترقیخواهانه بوقوع پیوست و برای نخستین بار کودکان کرد با امکان یافتن بزبان مادری خود بیاموزند. باز سبکین ستم و اندامها و مأمورین فوضلی از دوش دهقانان گردیدند. فاشته شد از حقوق دموکراتیک مردم کردستان تأمین گردید. حکومت های دموکراتیک آذربایجان و کردستان خواستار تأمین همین حقوق برای سایر خلق های ایران بودند و جنبش خود را بمنزله زمینه ای برای بسط نهضت ضد امپریالیستی و دموکراتیک در سراسر ایران تلقی می نمودند. تشریح این نکته بمنزله در برنامه اعلامیه دموکرات آذربایجان منتهی گردید. تحولات انقلابی در کردستان بجهت ارضی ایران انجام میگردد و اظهارات مکتوب رهبران هر دو جنبش مؤید این واقعیت است.

همین اطمینان مینماید که جنبش های ضد امپریالیستی و ضد فئودالی نهضت آذربایجان و کردستان موجب شد که تمام سازمانها و مطبوعات مترقی کشور در پیشا پیش کلیه ترقیخواهان ایران از حزب توده ایران از آن پشتیبانی نمایند. اما شاه و امپریالیسم که حکومت مردم را در آذربایجان و کردستان باوجود باقدماتی که در جهت تأمین حقوق مردم انجام شده بود خطری برای سلطه شوم خود میدیدند مجبوره شدند دنباله در صفحه ۲.

سال ۱۳۲۴ در اوج جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی خلقهای ایران مردم آذربایجان و کردستان نیز خاصه اعمال ستمگر را از آن دو منطقه اندک و نام آموز خویش را رأساً بدست گرفتند. سالها بود که آذربایجان و کردستان در زندان تمامین حقوق ملی دموکراتیک خود بودند. ظلم مالک ستم و اندامها، فشار مأموران مجاور دولت مردم را به جان آورده بود. آذربایجان و کردستان خواستار قطع تعدی و اداره امور خود از طریق انجمنهای ایالتی و ولایتی و برخورداری از زبان و فرهنگ ملی خود بودند. اما این مطالبات قانونی پیوسته با بی اعتنائی مقامات دولتی مواجه شده بود. هیئت حاکمه خود را بر حقوق مشروع مردم را عنودانه لگد مال میکرد. قیام ۲۱ آذر ۱۳۲۴ که با شرکت اقشار و طبقات مختلفش مردم آذربایجان انجام شد قدرت حاکمه را بدست مردم شد و خواست مردم آذربایجان را از طریق نهضت شرکت در اداره امور خود تحقق بخشید. برای نخستین بار در یکی از بهترین استانیهای ایران اصلاحات ارضی جامعه عمل پوشید و زمین میان دهقانان تقسیم گردید. بزمهای اجتماعی و بسیاری دیگر از خواستههای مشروع کارگران و زحمتکشانی عملی شد. آموزش عمومی مجانی بزبان مادری تأمین گردید. دانشگاه تریز گشایش یافت و سایر مطالبات دموکراتیک مردم خلق آذربایجان تحقق پذیرفت.

## مبارزه در راه دموکراسی

### مهمترین شعار مبرم حزب ماست

جهت رژیم است و مردم ایران بوزم نیروها و سازمانهای مترقی آنرا دائماً و بشکل در دنیا کی احساس میکنند.

در دوران کنونی که امپریالیسم هجوم مستقیم و دورانی خود را بر مواضع سوسیالیسم و جنبش انقلابی تشدید کرده است و سیاست داخلی و خارجی رژیم نیز، بخاطر حفظ هیستکی با امپریالیسم، جنبه ارتجاعی تری بخود میگرد، مبارزه در راه حقوق و آزادی های دموکراتیک، در کنار مبارزه با تحریکات امپریالیستی اهمیت و بربریت باز هم بیشتری کسب میکند.

مبارزه علیه رژیم ضد ملی و ضد ایک کنونی ایران در دو جهت اساسی میگردد: در جهت نیل به استقلال یعنی ایران از نفوذ استقلال شکنانه آشکار امپریالیسم و در جهت نیل به دموکراسی مائلی ایران از تسلط رژیم ارتجاعی و ملیتارستی و تحقق آزادیها و دموکراتیک مردم. حزب ما در تطبیق رد این نتیجه رسیده است که بوزم در راه دموکراسی مهمترین و مبرمترین شعار ماست و میتواند محور تجمع خلق نیروها در داخل و خارج از کشور ببرد و زمینه مبارزات مردم ایران را مادی نیل به هدف عنده این دوران یعنی ایجاد ائتلاف ملی و دموکراتیک را میسر کند. ضد دموکراتیک رژیم که هر روز مانع باشکال مختلف مانند سرکوب بازداشت ها، شکنجه ها و اعدام ها و طرز تشدید نظارت پلیسی، نفی نه بوزسیون، تقویت نظام استبدادی بوزم میکند، گریه ترین و زنده ترین

حزب ما به پیروی از این روش در فعالیت روزمره خود با تمام قوا از حقوق مردم ایران و گروههای سیاسی مخالف رژیم، صرف نظر از آنکه عقاید و مشی آنها با ما موافق باشد یا نه، دفاع کرده است. ما در جریان داد رسی بقائی، ملکی، گروه مهندسین بازرگان، گروه نیکخواه، گروه بیرجندی، در جریان اعدام اخیر افسران و عنده ای از دنباله در صفحه ۲

## کمونیسم ضد شوروی ممکن نیست

باشد و واقعاً انترناسیونالیست باشد و غرض و مرض در کارش نباشد» با او میتوان در باره این دو اثر درست بحث کرد یعنی میتوان برای وی ثابت کرد که:

کمونیسم ضد شوروی ممکن نیست، سوسیالیسم هر گز انترناسیونالیسم پرولتری است.

با چنین کسی، میتوان از طریق استقلال به نتیجه مشترک رسید. خطاب ما نیز در این مقاله چنین کسانی هستند و الا ما ایما دچار این سازگی نیستیم که تصور کنیم افراد آنتی کمونیست و فاسیونالیست، یا افرادی که از آنتی سوسیالیسم خود علیرغم تکرار عبارات مارکسیستی، غرض معینی را دنبال میکنند، در مقابل استدلالات ما قانع گردند. آنها برای جناب آماده اتنا ولی برای بحث آماده نیستند. آنها برای رد کردن همه چیز و حتی مطالب صحیح آماده اند، برای قبول کردن آن مطالب آماده نیستند، آنها برای انکار آماده اند، برای تصدیق آماده نیستند. ما هم با آنها حرفی نداریم بزیمنه زیرا اگر کسی واقعاً مارکسیست نیست

وقتی ما میگوئیم «کمونیسم ضد شوروی وجود ندارد» کسانی بخشم میآیند. وقتی میگوئیم «سوسیالیسم یعنی دوستی با شوروی و پشتیبانی از او» هر گز انترناسیونالیسم پرولتری نیست. کسانی اعتراض میکنند و میگویند انترناسیونالیسم را نمیتوان در دوستی نسبت بیک کشور سوسیالیستی تلخیص کرد. بنظر آنها این شعارها در حکم قبول «همونیسم» و در حکم تبعیت از یک کشور خارجی است.

اگر این مطالب را مدافعان سرمایه داری بگویند، سخن آنها مفهوم است. اگر این مطالب را عناصر فاسیونالیست بگویند، منافع ملت خویش را مافوق منافع همه ملل میدانند و آنرا بر مصالح سراسر جهان مقدم میسازند. بگویند، سخن آنها نیز مفهوم است ولی شکفت است که این مطالب را حتی کسانی میگویند که مدعی هستند مارکسیسم یعنی سوسیالیسم را نمیتوان پرولتری انقلابی قبول دارند. مدعی هستند که انترناسیونالیست هستند. اگر کسی واقعاً مارکسیست نیست

## مراسم صدمین سالگرد تولد ستار خان سردار ملی

بمناسبت صدمین سال تولد ستار خان سردار ملی قهرمان انقلاب مشروطه ایران مراسم با شکوهی در ۲۵ ماه اکتبر در باکو برگزار شد. در جلسه ای که بدین مناسبت با حضور چند تن از رهبران حزب توده ایران و نمایندگان احزاب برادر، دانشمندان ایران شناس و عمده کثیری از پناهندگان سیاسی ایرانی تشکیل یافت مسئول شبه تلفات سازمان حزب توده ایران در آذربایجان (فرقه دموکرات آذربایجان) در باره زندگی و فعالیت ستار خان، هدفهای انقلاب مشروطه ایران و مراحل مختلف آن و کمپانی که از طرف حزب کارگر سوسیالیست دموکرات روسیه مشروطه خواهان ایران بعمل آمده است صحبت نمود و خاطر نشان کرد که در آزمان لین

دنباله در صفحه ۶

## را هم عقب نشینی دولت در برابر مالکان

مواد الحاقی به قانون اصلاحات ارضی به اجرای مرحله دوم مالکان را آزاد شد تا بر حسب تمایل خود، یکی از اجاره، فروش و یا تقسیم ملک بر حسب مالکانه را بگزینند. در این مرحله رای قانون، شق اجازه از آن جهت که گان امکان میداد هم زمینهای بهائوز همچنان در ملکیت داشته باشند و هم بقی دریافت مال الاجاره های سنگین فشار دهقانان ادامه دهند، مورد استقبال قرار گرفت. و در نتیجه مجموعاً ن آمار رسمی تعداد ۱۰۳۲۶۰۶۰ از دهقان مستأجر شناخته شده اند علاوه بر تعداد ۲۸۹۰۵۳ خانوار دهقان

دنباله در صفحه ۵

# کمونیسم ضد شوروی ممکن نیست

چنین بحثی عبث است و بکار عبث نباید پرداخت. اما با کسانی که صادقانه به مارکسیسم-لنینیسم، به انقلاب باور دارند ولی گاه معنای ترهای دو گانه فوق را درست و به شکل دیگر آن تفهمنده و ذرعین حال برای بحث بیغرضانه نیز آماده اند، چنانکه گفتیم، میتوانم وارد بحث شوم. شاید یک بحث آنها را قانع نکند ولی بهر جهت بحث مفید است و باید بحث با چنین افرادی انجام گیرد. این کار مفیدی است و بکار مفید باید دست زد.

در دوران ما که نبرد طبقاتی عظیمی در مقیاس تاریخ، در مقیاس سراسر بشریت، بین سوسیالیسم و سرمایه داری میگردد، خواه اتحاد شوروی و خواه ایالات متحده امریکا، اولی، سود سوسیالیسم، دومی سود سرمایه داری و امپریالیسم، عمده ترین نقش را ایفا میکنند، زیرا قوی ترین نیروهای دو سمت متناقض و متقابل هستند.

بیانید یک لحظه این بلبه عظیم را مفروض دارید و در فکر خود اتحاد شوروی را بعنوان عامل اساسی و مقتدر در مبارزه بین سوسیالیسم و سرمایه داری حذف کنید، آنگاه خواهید دید که جبهه جهانی سرمایه قادر خواهد بود ضربات سنگین بر انقلاب جهانی وارد سازد و وضع خویش را فوق العاده تحکیم بخشد. اگر قدرت نظامی و قدرت علمی و نیروی عظیم اقتصادی و سیاست درست جهانی اتحاد شوروی در زاه دفاع از سوسیالیسم در مقابل امریکا، آلمان غربی، انگلستان، ژاپن، فرانسه، ایتالیا و دیگر کشورهای سرمایه داری که شائق امحاء کمونیسم در جهان هستند، نباشد آنگاه چه نیروی واقعی (و نه پنداری) میتواند در مقابل آنها بایستد؟ آری نیروی خلقها عظیم است ولی نه بایستد تھی.

نیروی مادی تنها با نیروی مادی میتوان پاسخ داد. در این عصر انقلاب علمی و فنی با قدرت نظامی و اقتصادی مجهز دشمن باید با قدرت نظامی و اقتصادی بر توان مقابله کرد و تنها با هیجان و شور و شوق و فداکاری ممکن نیست ضربات موشکها و بمب های هیدروژنی و اشعه لآزر و جنگ میکروبی و شیمیائی را عقیم گناشت. چنانکه در موقع خود فیدل کاسترو تصریح کرد اگر اتحاد شوروی تمام هستی و موجودیت خویش را بخاطر دفاع از کوبای سوسیالیستی در کفه تاریخ نیندگداشت، آیا ایالات متحده امریکا این جزیره آزاد را در زیر گوش خود تحمل میکرد؟ اگر وجود اتحاد شوروی و غلبه او بر فاشیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن نبود، آیا حتی ارزش خلقی چین با همه تجزیه فرماندهی، خود قادر بود بدون پیم از مداخله امپریالیستی پیش رود و بدون تحمل رنجهای این مداخله بکار ساختن سوسیالیسم دست زند؟

ولی مسئله فقط در قدرت درجه اول اقتصادی و نظامی و علمی و سیاسی اتحاد شوروی نیست بلکه اتحاد شوروی از یک سلسله جهات دیگر که هر یک در محل خود

بسیار مهم است، در نظر کمونیستهای جهان دارای احترام انگار ناپذیر است.

۱ - اتحاد شوروی نخستین کشور سوسیالیستی است و لنین کبیر بنیادگذار آن است. حزب کمونیست شوروی و حاکمیت شوروی است.

۲ - اتحاد شوروی بزرگترین قربانی را در انقلاب، در جنگ داخلی، در جنگ کبیر میهنی علیه فاشیسم، خونخوار هیتلری، بخاطر سوسیالیسم داد و ایست. تنها در جنگ کبیر میهنی بیست میلیون فرد شوروی کشته شده و قریب ۳۰۰ میلیارد دلار خسارت به این کشور وارد آمده است.

۳ - اتحاد شوروی محل نخستین و پر ارزش ترین آزمایشهای تاریخی برای ساختمان جامعه نوین است و تجارب بسیار وسیع و بسیار جالب در رشته ساختمان سوسیالیسم از جهات بچگی مختلف و متنوع صنعتی، کشاورزی، نازرگانی، مالی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی و غیره و غیره گرد آورده است. موفقتهای عظیم شوروی در جنگ و صلح، در علم و صنعت، در فرهنگ و بهداشت، به تجارب شوروی وزن و ارزش انگار ناپذیری میدهد.

۴ - اتحاد شوروی (صرف نظر از برخی کزروهایی مربوط به کیش شخصیت که آن نیز به بنیاد و ماهیت سوسیالیستی جامعه شوروی هرگز سرایت نکرده است) طی حیات نیم قمری خود در جاده درست مارکسیسم-لنینیسم با احترام از انحرافات راست و چپ شیر کرده است و هرگز مانند برخی کشورهای سوسیالیستی بی پروا بچپ و بر راست زده است و امروز نیز با رها کردن خود از یکسلسله از عواقب کیش شخصیت بر پایه رهبری علمی و جمعی، بر پایه مارکسیسم-لنینیسم خلاق و انترناسیونالیسم پرولتری عمل میکند.

مجموعه این ملاحظیات ما را به قبول حکمی که در آغاز این مقال مطرح ساختیم این منطقی قانع مینماید: برای ما ایرانیان علاوه بر عوامل یاد شده، یکسلسله عوامل اضافی نیز وجود دارد، مدت پنجاه سال است شوروی برای ما همسایه ای نیک بوده که استقلال و ترقی خود را کاملاً بدون مذبذبه این یک بحث تاریخی وسیعی است که جز کتاب «انقلاب اکبر و ایران» بر اساس اسناد و واقعات روشن شده و صحت آن حتی در نزد سید ضیاء الدین ها و تقی زاده ها مؤردانکار نیست و ما در اینجا باین اشاره اکتفا میکنیم.

دوست بهمن علل، دشمنان کمونیسم تکیه اساسی خود را در مبارزه علیه این جریان عظیم انقلابی عصر ما بر روی مبارزه علیه شوروی گذاشته اند و گاه از موضع راست گاه از چپ، اتحاد شوروی را زیر فشار آن اتهام میگیرند. این اواخر بقول رفیق گس هان «کالای آنتی کمونیسم و آنتی

# مبارزه در راه دمکراسی - مهمترین شعار مبرم حزب ما

مبارزان کردستان، در جریان بازداشت کبیره جنرلی و غیره و غیره بر همین اساس وارد دفاع اصولی شدیم و خود را از سکتا رژیم سازمانی بدور نگاه داشتیم و تنها بدافع از مجاهدان حزب خود مانند رفقا حکمت جو

سویتیزم پوزیه در بسته بندی چپ، در بازار امپریالیستی خریدار فراوان یافته است. ما باید در مقابل این موج گل آلود که از دشنام سرراست شروع و به سفسطه های ظریف ختم میشود بایستیم و دوستی با شوروی و حزب کمونیست شوروی را که یکی از بنیادهای استوار است حزب ما است از دست ندهیم و الا دچار باخت بزرگی خواهیم شد. صریحاً باید گفت که:

۱ - ما ناسیونال - کمونیسم را بعنوان یک حرف دروغ، یک امر محال، یک «گوسه ریش بین» رد میکنیم زیرا نمیتوانیم کمونیست بود و هم ناسیونالیست. لازمه انترناسیونالیسم پیوند وسیع بین المللی در مقابل جبهه متحد سرمایه است.

۲ - ما کمونیسم ضد شوروی را بعنوان یک انحراف آینده نمی، بعنوان یک بی اعتنائی به واقعیت، یک فقدان کامل ره آلینم انقلابی، بعنوان یک بی خردی آشکار رد میکنیم.

۳ - در عین حال ما مشابه میهن پرستان پر شور و خادمان و فادان خلقهای میهن خود دوستان مستقل و خلاق و با شخصیت و با ابتکار حزب کمونیست اتحاد شوروی و اتحاد شوروی هستیم یعنی هر گاه نظری داشته باشیم، بدون آنکه آنرا به پرچم ضد شوروی بدل کنیم، آن نظریات را در چارچوب روابط برادرانه بیان میداریم، یا هر گاه امری برای ما روشن نباشد در باره آن توضیح میخواهیم. ما خط مشی حزب خود، استراتژی و تاکتیک جنبش انقلابی کشور خود را، خود مستقل معین میکنیم و مستقل بدان عمل میکنیم و در عین مراعات کامل قوانین عام ساختمان سوسیالیسم، در عین احترام و مراعات تجارب بسیار پر ارزش ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی که دارای اهمیت جهانی - تاریخی است، میکوشیم راه خود را یا توجه به واقعیت جامعه ایران و سبب تاریخی آن طی کنیم. ایست تنها معنای صحیح سوسیالیسم، که هسته عمده در انترناسیونالیسم پرولتری است؛ ایست آن انترناسیونالیسمی که در همه اشکلی کامل با پانرولتسم و میهن پرستی است.

امید است این نکات جوینده گان بیغرض را که به مبارکسیسم - لنینیسم باور دارند روشن کند. ما در این زمینه بارها توضیح داده ایم و اینک تکرار میکنیم: قدرت حزب ما در انترناسیونالیسم واقعی و در دوستی استوار او با نخستین کشور سوسیالیستی جهان است و حزب ما هرگز جز در این زمینه دچار انحراف نخواهد شد.

مبارزان کردستان، در جریان بازداشت کبیره جنرلی و غیره و غیره بر همین اساس وارد دفاع اصولی شدیم و خود را از سکتا رژیم سازمانی بدور نگاه داشتیم و تنها بدافع از مجاهدان حزب خود مانند رفقا حکمت جو

سویتیزم پوزیه در بسته بندی چپ، در بازار امپریالیستی خریدار فراوان یافته است. ما باید در مقابل این موج گل آلود که از دشنام سرراست شروع و به سفسطه های ظریف ختم میشود بایستیم و دوستی با شوروی و حزب کمونیست شوروی را که یکی از بنیادهای استوار است حزب ما است از دست ندهیم و الا دچار باخت بزرگی خواهیم شد. صریحاً باید گفت که:

۱ - ما ناسیونال - کمونیسم را بعنوان یک حرف دروغ، یک امر محال، یک «گوسه ریش بین» رد میکنیم زیرا نمیتوانیم کمونیست بود و هم ناسیونالیست. لازمه انترناسیونالیسم پیوند وسیع بین المللی در مقابل جبهه متحد سرمایه است.

۲ - ما کمونیسم ضد شوروی را بعنوان یک انحراف آینده نمی، بعنوان یک بی اعتنائی به واقعیت، یک فقدان کامل ره آلینم انقلابی، بعنوان یک بی خردی آشکار رد میکنیم.

۳ - در عین حال ما مشابه میهن پرستان پر شور و خادمان و فادان خلقهای میهن خود دوستان مستقل و خلاق و با شخصیت و با ابتکار حزب کمونیست اتحاد شوروی و اتحاد شوروی هستیم یعنی هر گاه نظری داشته باشیم، بدون آنکه آنرا به پرچم ضد شوروی بدل کنیم، آن نظریات را در چارچوب روابط برادرانه بیان میداریم، یا هر گاه امری برای ما روشن نباشد در باره آن توضیح میخواهیم. ما خط مشی حزب خود، استراتژی و تاکتیک جنبش انقلابی کشور خود را، خود مستقل معین میکنیم و مستقل بدان عمل میکنیم و در عین مراعات کامل قوانین عام ساختمان سوسیالیسم، در عین احترام و مراعات تجارب بسیار پر ارزش ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی که دارای اهمیت جهانی - تاریخی است، میکوشیم راه خود را یا توجه به واقعیت جامعه ایران و سبب تاریخی آن طی کنیم. ایست تنها معنای صحیح سوسیالیسم، که هسته عمده در انترناسیونالیسم پرولتری است؛ ایست آن انترناسیونالیسمی که در همه اشکلی کامل با پانرولتسم و میهن پرستی است.

امید است این نکات جوینده گان بیغرض را که به مبارکسیسم - لنینیسم باور دارند روشن کند. ما در این زمینه بارها توضیح داده ایم و اینک تکرار میکنیم: قدرت حزب ما در انترناسیونالیسم واقعی و در دوستی استوار او با نخستین کشور سوسیالیستی جهان است و حزب ما هرگز جز در این زمینه دچار انحراف نخواهد شد.

مبارزان کردستان، در جریان بازداشت کبیره جنرلی و غیره و غیره بر همین اساس وارد دفاع اصولی شدیم و خود را از سکتا رژیم سازمانی بدور نگاه داشتیم و تنها بدافع از مجاهدان حزب خود مانند رفقا حکمت جو

### دو قضاوت نادرست در باره تاریخ گذشته حزب ما

بی میگرد. حامل اصلی این قضاوت آن « و بیروان است. شایان ذکر است ضامین این دو قضاوت متضاد در آنچه بوط به وضع کنونی است به قضاوت بی میروان است. هر دو حزب توده ایران را نفی میکنند.

بحث در باره تاریخ گذشته حزب توده و با هر سازمان سیاسی که در جنبش و دموکراتیک ایران شرکت داشته و بخودی خود نه فقط مفید بلکه لازم است. و لزوم این بحث در آنست که میتوان با ی علل پیروزیها و ناکامیها، موفقیتها و سبها هم جنبه های مثبت و منفی یک آن سیاسی و مقام آرا در جنبش و تاریخ کرد و هم از تجارب گذشته برای ات آینه درس گرفت. برای اینکه بحثی به چنین نتیجه ای برسد باید فقط ب مارکسیستی تحلیل تاریخ را بکاربرد؛ باید قضاوت ذهنی و یا مقاصد معین ی را کنار گذاشت.

در بحث کنونی دو نمایان و دو اسلوب دارد: گروهی (بویژه جوانان که بعلم سن وقایع بین سالهای ۱۳۲۰-۱۳۳۲ دیده اند و یا فعالیت سیاسی نداشته اند) نه مایل اند با این تاریخ آشنا شوند و ن درس بگیرند. آنها با بیطرفی نظریات اوتهای گوناگون را میشوند و میکوشند باس واقعات به نتایج درست و قضاوت نه ای برسند. گروه دیگر میکوشد از بحث نفی تاریخ گذشته حزب توده ایران حید اقل نفی کنونی حزب توده ایران را بگیرد. اسلوب این گروه بطور عمده و همراه با اتهام، تحریف و ادعا های است. یا کمال تأسف باید گفت که ب گروه اخیر در بحثها مسلط است و جهت هم هست که بحثها اساساً به منطقی نمیرسد.

این نکته را هم باید متذکر شد که ستارهای دانشجویی در حالیکه حملات آن به حزب توده ایران آزاد است دفاع زب توده ایران بعلم خطرانی که برای کهنه دارد، ممکن نیست. خوبست آن دهندگان چنین ستارهایی به این قضیه هم توجه کنند تا علمیت چنین رهایی واقعا تضمین گردد.

بهر حال ما بدون اینکه به پاسخ گویی ره اتهامات و تحریفات و ادعاهای بی پایه زیم نظر مستقل خود را در باره اصل بیان میداریم.

علی موجب این بحث شده است؟

این سؤال مطرح شود که آیا مهمترین و میرم ترین وظیفه نیروهای ملی و دموکراتیک در شرایط مشخص کنونی بحث در باره تاریخ گذشته است؟ نظر ما نه. مهمترین و میرم ترین وظیفه نیروهای ملی و دموکراتیک در شرایط مشخص کنونی کوشش برای ایجاد برنامه مشترک مبارزه و اتحاد همه سازمانهای ملی و دموکراتیک برای استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک است. لازمه این اتحاد بهیچوجه صرف نظر کردن از ایدئولوژی، مشی سیاسی و سازمان مستقل نیست، بلکه فقط آنکه بر روی نکات مشترک بر ضد دشمن مشترک است. این یعنی بحث نکردن درباره گذشته و ایزایی تاریخ گذشته ایم نیست. هر کس میتواند قضاوت و ارزیابی مستقل خود را داشته باشد و حتی به بحث انتقادی ولی دوستانه تا سایر سازمانها هم بپردازد. حزب ما به بررسی انتقادی بسیاری از وقایع گذشته در تاریخ خود پرداخته است و ارزیابی خود را بصورت اشناد رسمی مصوب از گان های مسئولیت دارا هم در آورده است (کاری که هیچ سازمان سیاسی دیگری نکرده است) و به کوشش خود برای روشن کردن تاریخ حزب همچنان ادامه میدهد. ولی در این باره نه سر و صدا راه میاندازد، نه آنرا مهمترین و میرم ترین وظیفه کنونی خود میداند و نه دیگران را متهم میکند. این بحث مانند خیلی از بحثهای دیگر میتواند فقط یکی از اهم وظایف تلقی شود و در راه آن کوشش مدارم و جدی بعلم آید. ولی متکبران این بحث اینطور وانمود میکنند که گویا عاجل تر و مهمتر از این بحث وجود ندارد و اگر این مسئله حل نشود انقلاب ایران عمای نخواهد شد. ادعائی که بنظر ما پایه عینی ندارد. بویژه آنکه دیده میشود که بطور عمده بحث در باره تاریخ گذشته نهضت (که علاوه بر حزب توده ایران سازمانها و گروههای سیاسی دیگری هم در آن شرکت داشته اند) نیست؛ بلکه بحث اساساً در باره تاریخ گذشته حزب توده ایران است. آنهم بقصد نفی و کوبیدن آن. بنا بر این در بررسی علمی که موجب این بحث شده است باید قبل از هر چیز مقاصد معین سیاسی را که در پس این بحث پنهان است جستجو کرد. بنظر ما این علل بطور عمده بقرار زیر اند:

(۱) باز آن موقع که ارتجاع ایران حزب توده ایران را «منحله» اعلام کرد بیست سال میگذشت. طی این مدت پلیس بازها شبکه های این «حزب منحله» را کشف کرده و اعضاء و مسئولان آنرا دستگیر نموده و پس از هر کشف و دستگیری اعلام کرده است که از «حزب منحله» دیگر اثری نیست، و باز هم این داستان پس از مدتی تکرار شده است. ارتجاع ایران فهمیده است، نمیخواهد و نمیتواند بفهمد حزبی که آنرا ضرورت تاریخی بوجود آورده، بیحکم همین ضرورت تاریخی همچنان زنده است و

نیتوان آنرا حتی با شدید ترین ترور پلیسی از بین برد چه رسد باینکه آنرا با بمب خود «متحله» اعلام کرد.

بنظر میرسد که گروهی از مخالفان قدیم و جدید حزب توده ایران نیز همین سر نوشت دچار شده اند. یعنی آنها هم همین محتوی را منتهی باشکل دیگری بیان میکنند. اینکه از حزب توده ایران فقط «بقایای کمیته مرکزی» باقی مانده اند و اینکه این حزب هیچگونه نفوذی در بین توده ها ندارد، بیان همین مطلب است. بویژه پس از انشعاب اخیر معنی شدت که دیگر حزب توده ایران «از بین رفت». بدیهی است که چنین اتفاقی نمیتوانست رخ دهد و رخ هم نداد. این واقعیت را گروهی از مخالفان حزب فهمیدند. بویژه فهمیدند که تا این «زقب» در صفحه سیاست ایران باقیست و فعالیت میکند. کار آنها برای قریب توده ها مشکل است. البته آنها باین حقیقت اعتراف نکرده اند و نمیکنند ولی تلاش بآلود آنها در مبارزه با حزبی که «نفوذی ندارد» اعتراف ضمنی به این حقیقت است. نتیجه آنکه آنها از هر فرصتی برای لطمه زدن به حیثیت و اعتبار حزب توده ایران استفاده میکنند تا خیال خود باین «منافع» را تضعیف کنند و از پیش پا بزدازند. گند و گاو در تاریخ گذشته حزب توده ایران همین منظور انجام میگیرد.

(۲) پس از انشعاب مخالفان حزب و انشعابگران فکر میکردند که میتوانند از این فرصت برای پیش بردن نظریات نادرست خود حدا اکثر استفاده را بکنند. ولی سرعث حوادث و مبارزه خو سردانه و دیگر حزب ما با سیاست انشعابگران و تفرقه جوانه و نظریات چپ روانه و انحرافی خیلی زودتر از آنچه که انتظار میرفت تا درستی پایه های ایدئولوژیک این نظریات را نشان داد. بزودی اختلاف و تفرقه، برزید و ناس و روگردانی و گرایش بر صفوف کسانی که مدعی رهبری انقلاب ایران بودند (و البته هنوز هم هستند) آغاز شد. ولی مدعیان بجای آنکه مشی خود را تصحیح کنند حالات خصمانه خود را بر ضد حزب توده ایران، که بنظر آنها (و البته بدترستی) یکی از عوامل عمده این شکست و ورشکستگی است، تشدید کردند. و از آنجا که ادعا های کنونی آنها دیگر خریدار زیادی ندارد دست بدامن گذشته زدند تا مگر کمک نفی گذشته حال را نفی کنند.

(۳) در میدان چپ روی بین «زقبا» مبارزه شدیدی در گرفته است. گروهی ادعائی انشعابیان را در مورد علل انشعاب و وضع کنونی حزب به تمام گذشته حزب تعمیم میدهند تا هم گذشته خود را توجیه کند و هم میدانان گذشته حزب را برای بهره برداری در حال بگوید.

(۴) علیرغم ادعا ها عمده ای میداندند که حزب توده ایران درست بعلم همان خدعات گذشته اش در بین مردم ایران صلاحیت نفوذ و اعتبار است. بقول یکی از آنها «نام حزب توده ایران سر قفل» دارد». همچنین جهت گروهی میکوشد خود را وارث سن انقلابی ایران وانمود سازد. ولذا از گذشته حزب

توده ایران درست دفاع میکنند. ضمناً این گروه با دفاع از گذشته حزب تا انشعاب به اصطلاح با یک تیر دو نشان میزند؛ گذشته حزب را تا زمانی مثبت میداند که خود در رهبری بوده است. یعنی هم افتخارات گذشته حزب را بخود نسبت میدهند و هم نقائص و آشناهات را فقط بعهد رهبری کنونی حزب توده ایران میگذارند.

بدینسان متناسفانه صحت بر سر بررسی علمی تاریخ گذشته نهضت و از جمله حزب توده ایران نیست، بلکه تحت این عنوان و به این بهانه مقاصد سیاسی معینی دنبال میشود. و چون چنین است قضاوت هر دو گروه نادرست از آب در میآید.

چگونه گذشته حزب نفی میشود؟

عمده ترین دلایل کسانی که گذشته حزب را مطلقاً نفی میکنند بطور خلاصه بقرار زیرین است:

(۱) حزب توده ایران اصولاً برای پیش بردن مقاصد سیاسی اتحاد شوروی تشکیل شده و همین جهت نه مستقل است نه ملی.

(۲) حزب توده ایران در آغاز بصورت جبهه ضد فاشیستی و ضد ارتجاعی تشکیل شده و نه شکل حزب مارکسیستی. لنیستی طبقه کارگر، بعدها هم که این مطلب را رسماً اعلام کرده عملاً هیچگاه حزب مارکسیستی-لنیستی بمعنی واقعی کلمه نبوده، بلکه «رفرمیسم و اپورتونسم» در آن تسلط داشته است.

(۳) حزب توده ایران یا بعلم «عدم استقلال» و یا بدلیل «اپورتونسم» و یا هر دو دلایلی نقائص و اشتباهات جدی بوده، بطوریکه بیشتر نقش مخرب را در نهضت ملی ایران ایفا کرده است.

اینکه اینترناسیونالیسم حزب ما و بیوند دوستانه آن با حزب کمونیست اتحاد شوروی به عدم استقلال و ملی نبودن تعبیر میشود و مورد حمله قرار میگیرد. مطلب تازه ای نیست. تنها مربوط به حزب توده ایران هم نیست. این یکی از اشکال آنتی کمونیسم است که قبل از همه از زرادخانه امپریالیسم که بنیادش احزاب کمونیست و کارگری ناشی از ضرورت اجتماعی نیست، بلکه ساخته دست یک دولت خارجی است؛ در اینجا از اجناسات میهن پرستانه و ناسیونالیستی مردم نیز سوء استفاده میشود. کسانی که این اتهام امپریالیسم و ارتجاع ایران را نسبت به حزب توده ایران تکرار میکنند باید بچند نکته نیز اعتراف کنند: نخست نفی جنبش کارگری و زد مارکسیسم است. چون اگر کسی به این هر دو معتقد باشد ناگزیر باید بداند که هر اجتماعی وقتی بسط معینی از تکامل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی رسید جنبش کارگری در آن بدید میآید و حزب طبقه کارگر نیز تشکیل میگردد؛ یعنی بزرگترین قیوتها هم نمیتواند. آنهم از خارج. بطور مصنوعی جنبش کارگری و حزب طبقه کارگر را بوجود آورد. بنیادش این هر دو یک ضرورت تاریخی است.

دنباله در صفحه ۴

### دو قضاوت نادرست در باره تاریخ گذشته حزب ما

دوم اینکه نه فقط حزب توده ایران، بلکه تمام تاریخ جنبش کارگری را در ایران نفی کند. چون فرض کنیم که حزب توده ایران ساخته دولت شوروی است، آیا حزب کمونیست ایران هم ساخته دولت شوروی بود؟ فرض کنیم حزب کمونیست ایران هم ساخته چنین دستی باشد، آیا سوسیال دموکراسی انقلابی ایران هم ساخته دولت شوروی است؟ دولتی که در آن زمان اصلاً وجود نداشت؟ اما واقعیت چیست؟ واقعیت اینست که پایه گذاران سوسیال دموکراسی انقلابی ایران حزب کمونیست ایران را تشکیل دادند و عمده ای از پایه گذاران و اعضاء حزب کمونیست ایران حزب توده ایران را بنیاد گذارند. یعنی حزب توده ایران ادامه دهنده و وارث بحق سوسیال دموکراسی انقلابی ایران و حزب کمونیست ایران است، آنهم نه فقط وارث ایدئولوژیک، بلکه حتی از نظر سازمان دهندگان آن.

سوم اینکه اصولاً انترناسیونالیسم را نفهمند یا آنرا قبول نداشته باشد، زیرا چگونه میتوان یک حزب مارکسیست لنینیست بود و پیوند دوستی با همه احزاب کمونیست و کارگری، با همه کشورهای سوسیالیستی و بویژه با حزب کمونیست اتحاد شوروی، بنیاد گذار نخستین و بزرگترین دولت سوسیالیستی جهان نداشت و در این راه نکوشد؟

چهارم اینکه باید دولت شوروی را سوسیالیستی نداند و به همین جهت دوستی و همبستگی با آنرا ضد ملی تشخیص دهد. این دیگر از آن اتهاماتی است که حتی احتیاج به رد کردن ندارد. حزب توده ایران ادامه دهنده و وارث بحق بهترین سنتهای سوسیال دموکراسی انقلابی ایران و حزب کمونیست ایران است. ضرورت تاریخی و اجتماعی است و به همین جهت علیرغم شدید ترین فشارها (که هیچ سازمان سیاسی دیگری با آن مواجه نبوده و نیست) همچنان زنده است و مبارزه خود ادامه میدهد. استقلال و خصیلت ملی حزب ما بویژه در این واقعیت است که برنامه و مشی آن منعکس کننده حیاتی ترین منافع و آرزوهای ملت ایران است و برای تحقق این برنامه و مشی با دیگری و فداکاری مبارزه میکند. این منافع و آرزوها نه فقط با انترناسیونالیسم حزب ما میبایست ندارد و نمیتواند داشته باشد بلکه با آن دارای پیوند ناگسستنی است.

کسانی که حزب توده ایران را در گذشته حزب طبقه کارگر، حزب مارکسیستی لنینیستی نمیدانند شکل را با محتوی اشتباه میکنند، شکل را عمده میگیرند و به محتوی کم بها میدهند. شرایط مشخص مبارزه علنی را از نظر دور میدارند و به کلی گوئی میپردازند، تا کتیک معین مبارزه در زمان معین را نفی میکنند و فقط استراتژی را میبینند.

حزب توده ایران در زمانی تشکیل شد و اجازه فعالیت علنی یافت که قانون سیاه ۱۳۱۰ هر گونه «فعالیت کمونیستی» را ممنوع میکرد. آیا میاید رسماً تشکیل حزب کمونیست را اعلام کرد، به این قیمت که از همان آغاز تشکیل فعالیت مخفی محکوم شد و به یک گروه کوچک جدا از توده ها تبدیل گردید (همانطور که حزب کمونیست ایران البته علیرغم میل خود محکوم گردید) یا در چارچوب قوانین موجود با اجرای عملی سیاست مارکسیستی - لنینیستی پرداخت و یک حزب توده ای تبدیل شد و به همین وسیله هر گونه مانعی را در برابر فعالیت رسمی کمونیستی برداشت؟ حزب توده ایران در حالیکه اساساً تحلیل تئوریک و سیاسی خود را مارکسیسم - لنینیسم قرار داد و از نظر تشکیلاتی هم اصول لنینی حزب طراز نوین طبقه کارگر را بکار برد، بدرستی سیاست آخر را اتخاذ کرد. حزب فقط پس از آنکه از امکان فعالیت علنی محروم گردید، یعنی زمانیکه دیگر رعایت شرایط کار علنی مطرح نبود، سیاست عملی خود را رسماً نیز اعلام کرد. اتفاقاً اشتباه حزب توده ایران در این بود که چرا از همان آغاز رسماً خود را حزب کمونیست اعلام نکرد، بلکه در آن بود که سبکباریم و چپ روی هائی راه داده شد که به نقض اصول کار علنی منجر گردید و از این راه زبانهای قزاقوانی به حزب رسید.

تا کتیک مبارزه نیز در شرایط مختلف فرق میکرد؛ در اوایل جنگ البته و بدرستی مبارزه بر ضد فاشیسم وظیفه عمده بود، همچنانکه بعداً مبارزه بر ضد سید ضیاءالدین، مظهر سیاست امپریالیسم انگلیس، و سپس مبارزه بر ضد شرکت سابق نفت ایران و انگلیس شعار عمده تا کتیک قرار گرفت و پس از آن مبارزه علیه امپریالیسم امریکا در دستور قرار گرفت که حزب توده ایران پرچمدار و پیش قراول آن بود. حال هم چنین است، در آینده هم چنین خواهد بود. این یعنی فراموش کردن هدف استراتژیک نیست، بلکه کدی است به آن. این بمعنی تبدیل حزب به جبهه و یا غرق شدن حزب در جبهه هم نیست. این فقط به آن معنی است که در هر لحظه معین آن چنان شعاری را باید یافت که وسیعترین توده های مردم را بمبارزه جلب کند.

و اما اگر مقصود از رفرمسم و اپور توئیسم آنست که حزب توده ایران مبارزه انقلابی و انقلاب را نفی نمیکرد، این فقط یک اتهام است. حزب توده ایران همیشه معتقد به تحول بنیادی جامعه ایران از راه انقلاب اجتماعی بوده و وسیله کار او هم مبارزه انقلابی بوده است. اشکال این مبارزه انقلابی بر حسب اوضاع و احوال و شرایط مشخص البته فرق میکند. ولی اگر مقصود آنست که حزب توده ایران به اشکال چپ روانه و ماجراجویانه رائج دست نزده، این البته درست است، گو اینکه همانطور که گفته

شد اینجا و آنجا دچار این اشتباه شده و زیان آنرا هم دیده است.

و از همه اینها نتیجه گرفتن که حزب توده ایران بطور عمده نقش مخرب در نهضت ملی ایران داشته است صرفاً میتواند ناشی از غرض باشد؛ زیرا هر کس که کمترین اطلاعی از تاریخ معاصر ایران داشته باشد هر کس از حد عقل حسن نیت و واقع بینی برخوردار باشد، ضمناً باین نتیجه نخواهد رسید. برعکس باین نتیجه خواهد رسید که حزب توده ایران علیرغم نقائص و اشتباهات خود بطور قاطع نقش مثبت و مترقی در تاریخ معاصر ایران و سیر تکاملی آن داشته و دارد.

#### آیا باید گذشته حزب را بطور مطلق توجیه کرد؟

کسانی که گذشته حزب را بطور مطلق توجیه میکنند و بر این عقیده اند که اولاً حزب توده ایران اشتباه جدی و بزرگی مرتکب نشده. ثانیاً فرض هم که چهار اشتباهاتی گردیده علت آنرا عامل عینی تشکیل میباشد، یعنی جبری بوده. ثالثاً لزومی ندارد که با توجیه تخلفات حزب توده ایران - که مسلماً عمده است - در برابر دشمن و مخالفان اینقدر از اشتباهات حزب سخن بگوئیم.

ما چنین عقیده ای نداریم و بر روی نقائص و اشتباهات شریوش نیگذاریم و بمعتمد انکار این واقعیت نشانه علاقه بحزب نیست، بلکه جنبه ذهنی دارد؛ زیرا هر علاقمند واقعی به حزب باید واقعیت را ببیند، آنرا بررسی کند و از نتایج آن درس بگیرد. اگر کسی این نقائص و اشتباهات را نبیند و یا در صدد توجیه آن برآید، به آن معنی است که خطر تجدید این اشتباهات وجود دارد و با توجه به عواقب نامطلوب و انکار ناپذیر این اشتباهات این خطر حیاتی میشود. متأسفانه هم اکنون واقعیتی در برابر ماست که نشان میدهد کسانی اشتباهات گذشته حزب را عیباً و یا به اشکال جدید تکرار میکنند و متوجه نیستند که چه سیر انجمنی در انتظار آنهاست. و اما درست است که در بروز نقائص و اشتباه عوامل عینی نقش و گاهی نقش مهم و قاطع داشته اند، ولی تمام علت را به عامل عینی نسبت دادن و نقش عامل ذهنی را ندیده گرفتن و یا کوچک گرفتن تیره جوئی است و باز هم خطر تجدید اشتباه را در بر دارد. بنا بر این یاد آوری معقول نقائص و اشتباهات هنگام بررسی تاریخ گذشته و ارزیابی سیاست و روشهای مشخص بمنظور جلوگیری از تجدید اشتباه مفید و ضرور است.

کسانی هم که مدعی اند که گوناگوناً فقط تا دوران انشعاب حزب بطور کلی در راه ضحیح سیر مکتوبه آشکارا واقعیت را تحریف میکنند. اتفاقاً انشعابگران از گمته مرکزی خود سهم مهم و گاه مشترکانه ای در بروز نقائص و اشتباهات گذشته حزب توده ایران داشته اند و اتفاقاً حزب توده ایران در دوران اخیر در مبارزه با مشی نادرست آنها است که توانسته مشی اساساً درستی تنظیم کند و از اشتباهات جدی سیاسی بپرهیزد.

#### روش ما نسبت تاریخ گذشته حزب

چنانکه ملاحظه میشود دو قضاوت

نادرست در باره تاریخ گذشته حزب ما و دارد. حزب ما هر دوی این قضاوتها را میکند و معتقد است که:

(۱) حزب توده ایران در اثر ضرورت تاریخی و اجتماعی بوجود آمده و رشد و مصدر خدمات برجسته و انکار ناپذیر مردم میهن ما شده است؛ نشر و مارکسیسم - لنینیسم و پدین وسیله تحول عمیق فکری و روحی در جامعه ایران مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم و ارتجاع و در راه آزادی و استقلال ایران، فداکاری ها و قربانیهای فراوان، (که آن آن اکنون بصورت عقب نشینی های آشکار میشود) و ایجاد مکتب وسیع تر و تشکیل توده ها از جمله خدمات عمده توده ایران است. جنبشی را که حزب ایران بوجود آورد و رهبری کرد نه از وسعت و نه از نظر عمق در طول تاریخ ایران سابقه ندارد. بهین جهت نقش حزب توده ایران در تاریخ معاصر ایران نقشی است و مترقی. هم اکنون نیز حزب ایران بزرگترین پرچمدار استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم در میهن ماست. بر روی نقش برجسته تاریخی است که باید تکیه و ارتجاع است.

(۲) حزب توده ایران در گذشته دار نقائص و اشتباهات جدی نیز بوده، که نتیجه یک رشته علل عینی و ذهنی رخ است. در میان علل عینی بطور عمده میت عقب ماندگی جامعه ایران، جوان بودن حزب، کوتاه بودن دوران فعالیت علنی حزب و قدرت و اتحاد امپریالیسم و ارتجاع، شدید و دائم پلیسی و بفرنجی و سرعت حوا را نام برد؛ ولی با اینکه این عوامل نقش و گاه قاطع داشته اند نادرست و اشتباه است اگر مطلق شوند. مجامع صلاحی حزب - بویژه بلنوم چهارم (وسخ) مرکزی حزب توده ایران - در اسناد خود ضمن بررسی و یاد آوری عوامل عینی بکرشته عوامل ذهنی نیز را متذکر شده

که از جمله میتوان ضعف رهبری، اختلافات درونی آن را بر شمر در این اسناد مسئولیت رهبری نیز ذکر و تا کند گردیده و برای رفع علل ذهنی راهنمائیهای لازم نیز بعمل آمده است. خطاست اگر بروز همه نقائص و اشتباهات را نتیجه عوامل ذهنی بدانیم و مسئول آن فقط رهبری حزب بشناسیم. این بمعنی عوامل عینی است و برای یک ارزیابی جدی خطرناک و زیان بخش است.

(۳) قبول خطاها و انتقاد از خود در نشانه جدی و صدیق بودن اوست. تمام طول تاریخ حزب، در هر فرصتی کوشش شده است که نقائص و اشتباهات دید شناخته شود، علل آن بررسی گردد و رفع آن اقدام لازم بعمل آید. هنوز سازمان سیاسی بویژه آنها که گذشته حزب توده ایران را نفی میکنند این چنین آشکارا جدی و صادقانه خطاهای خود را پذیرفته



### بما مینویسند:

در اثر فعالیت های سندیکا های کارگری، شورای همکاری سندیکا های کارگری در اولین کنگره خود تصویب نمود که صندوق بیمه بیکاری برای کمک بکارگران بیکار از طرف دولت بوجود آید، این کنگره همچنین در قطعنامه خود متذکر شده است که وزارت کار و کارفرمایان نباید در ایجاد سندیکاهای کارگری دخالت داشته باشند. همچنین موادی از قوانین کار و بیمه های اجتماعی که به وزارت کار اجازه میدهد بیل خود بنام کارگران نمایندگانی براجماع مختلف قانونی بفرستد حذف گردد.

کارگران چیت سازی برای انتخاب هیئت مدیره سندیکای خود مبارزه میکنند، با تمام کار شکنهای کارفرمایان و دخالتهای حزب ایران نوین، کارگران در خانه کارگر اجماع میکنند و نمایندگان خود را انتخاب مینمایند. کارگران نسبت به دخالت های بیجا و ناروا در امور سندیکای به وزارت کار شکایت کرده اند، ولی بشکایت آنها ترتیب اثر داده نشده است.

صیادان شرکت شیلات شمال در هر سال دوبار و هر مرتبه سه ماه با استخدام در میابند. این کارگران فصلی، فقط در مدت سه ماه میتوانند از بیمه های اجتماعی استفاده کنند، در ایامت هم از دوا و دکتر خبری نیست و حتی برای تهیه چند آمپول بیایستی ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر راه پیمائی کنند تا به درمانگاه برسند.

عده ای از صیادان که مدت ۲۵ تا ۳۰ سال کارشان فقط صید ماهی بوده و جوانی و سلامتی خود را در این راه از دست داده و تا وجود هزاران قطار چرخان بخور و نمیری دریافت نکرده اند، اکنون که شرکت شیلات میخواهد جوانان را بجای آنها استخدام کند باخطر بیکاری و دربندی مواجه میشوند و چون بیمه فصلی بوده اند، حقوق بازنشستگی هم شامل آنها نمیشود.

کارگران شرکت نفت جنوب خواهانند که برای تشکیل سندیکای خود و انتخاب هیئت رئیسه آنها را آزاد بگذارند. امور ساختمانی و باغبانی و نظایف شرکت را بقاطعه ندهند و در نتیجه کارگران شرکت را بیکار نمایند. آنها ضمن درخواستهای صنفی خود از جمله میخواهند تا کارآموزان را که ۵ سال تحت آموزش بوده اند، بعنوان کارگر درجه یک استخدام کنند و از کلیه مزایا برخوردار شوند و همین مقررات ناقص قانون کار و بیمه های اجتماعی بدون هیچ عثر و بهانه ای اجرا گردد.

کارگران ساختمانی تهران بعد از مبارزات طولانی موفق شدند، سندیکای خود را که سه ماهت از طرف وزارت کار منحل شده است تشکیل دهند، کارگران اساننامه سندیکا را تنظیم و هیئت مدیره را انتخاب نموده اند. مبارزه برای بقیت رساندن مجدد سندیکا و تنظیم درخواستها ادامه دارد.

کارگران شرکت ساختمانی هوش تیف برای اجرای قانون کار و بیمه های اجتماعی مبارزه میکنند، در این شرکت کارگران روزانه ۱۰ ساعت کار میکنند، جمعه و تعطیل ندارند و ۳۵ درصد اضافه کاری را به آنها تقبیر دارند. جز اثر اتحاد و مبارزه کارگران هیئت رئیسه تقاضای کارگران را تنظیم نموده و اجرای آنرا خواسته است. کارفرما موافقت کرده است که چند ماده از این درخواستها را اجرا نماید. اتحاد، پیگیری و هوشیاری کارگران عامل مهم این پیروزی نسبی است.

پلیس تهران به کلاتری ها بخشنامه هایی داده است مبنی بر اینکه پاسبان ها باید در سر پستهای خود تمیز باشند و لباس

مرتب بپوشند، بعضی از کلاتریها این بخشنامه را بهانه کرده و از لباس شوئیها خواسته اند که بجای نرخ رسمی لباسهای پاسانها را با دستمزد بسیار نازلی بشوند، تمیز کنند و اطو نمایند. لباس شوئیها دستجمعی مقاومت میکنند و از اتحادیه صنف خود میخواهند که مانع این بیعدالتی شوند و با آنها کمک نمایند. کلاتریها میخواهند نامه ای با امضای تک تک آنها برسانند و اعلام نمایند که آنها داوطلبانه برای کمک «بدستگاه پلیس» حاضرند یا نرخ کم لباسها را تمیز کنند.

دانشجویان دانشکده هنر های زیبا برای اعتراض به کادر هیئت رئیسه و تغییر آنها دست بااعتصاب میزنند و موفق تغییر کادر هیئت رئیسه میشوند.

دانشجویان سال دوم حقوق با اقدامات دستجمعی و فرقتن بسر کلاس موفق میشوند، یکی از دانشجویان هم کلاس خود را که بی دلیل از کلاس بیرون کرده و میخواهند از دانشکده اخراج نمایند باز گردانند.

یکی از دانشجویان دانشکده حقوق که در موقع زلزله در کاخک بسر میبرد بقتل رسید. چهلم این دانشجویان دانشکده حقوق در مسجد رفیوری دانشکده برپا داشتند. ناگهانی ضمن سخنرانی های خود از بنی وضع زلزله زدگان و عدم توجه دولت صحبت کردند و از مسئولین این حادثه اسفناک یاد نمودند.

سازمان تربیت بنی طی نامه ای کوتاه ادعای «بمقتضیات و مصالح عمومی»؟ باشگاه توفان را تعطیل کرد. این تنها باشگاه ورزشکاران نیست که بدستور مقامات دولتی برچیده میشود. رژیم ایران اجازه نمیدهد که جوانان و ورزشکاران حتی برای ورزش و یا سرگرمی های هنری و ادبی دوز هم جمع شوند.

اهالی ناخچی آباد نازی آباد در جنوب تهران، نسبت باحفاظاتی که آنها شده و برای رسیدگی زمین و وضع خیابانها شکایت کرده اند، مقامات دولتی هنوز با اعتراض اهالی جواب نداده اند. حزب ایران نوین برای عوامفریبی گفته است بقاضای آنها رسیدگی خواهد کرد و برای بررسی نمایندگانی بحل مابیند ولی نمایندگان آنها بجای توجه بدخواستهای مردم در باره نهم آبان و وضع حزب نطق میکنند و بی کار خود میروند، بی آنکه هیچ مشکلی را حل کنند.

حال رفقای زندانی ما وخیم است، رفیق حکمت جو به درد مهره های پشت دچار شده و سازمان امنیت اجازه نمیدهد تا او را برای معالجه از برازجان بتهران منتقل نمایند، رفیق خاوری ببرد چشم مبتلا شده و احتیاج به جراحی دارد، رفیق معتمدی نیز که سالها در بندر عباس زندانی بود در اثر بنی آب و هوا و دیگر تعسقات و شکنجه های گذشته دچار امراض عصبی شده و ستون فقرات او صدمه دیده است، پزشکان خطر مرگ را متذکر شده و توصیه کرده اند که فوراً برای معالجه بتهران منتقل گردد، ولی مسئولین او را بشیراز انتقال داده اند و در آنجا بعلت عدم وسیله نجات او مقبور نیست.

### دنیاله از صفحه ۱

#### ضدینم سالگرد تولد ستار خان

بزرگ بوسله مقالات، نامه ها و سخنرانیهای خود از خواسته های عادلانه خلعهای ایران بشخصی متذکره، لنین طی مقالات خود تناقض قوای طبقاتی در ایران و موضوع طبقات مختلف در قبال انقلاب مشروطیت را مورد تحلیل قرار داده، سیاست دولت های امپریالیستی جوړه سیاست مزدورانه امپریالیسم انگلیس و سیاست زورگویانه تزار را افشاء کرده طبقه کارگر روسیه و اروپا را بکمک مشروطه خواهان ایران دعوت میکرد. لنین از ستار خان، کرد آزادی ایران بشکله «سرکرده ارتش انقلابی ایران» یاد کرده است و در مطبوعات مترقی آن دوران در اروپا ستار خان را «گاریبالدی ایران» نام داده اند.

سخنران توضیح داد که بناسبت ضعف کمی کارگران صنعتی او عدم حزب متشکل نیرومند کارگری و بعثت مداخله مستقیم امپریالیستها مرتجعین ایران توانستند با ماسک مشروطه خواهی وارد مجلس و دولت شده از تحقق یافتن هدفهای اساسی انقلاب مشروطه جلوگیری نمایند و کرد آزادی ایران و قهرمان جنبش مشروطیت ستار خان را نیز بگولگی ای مجروح سازند که در آن پس از مدتی در گذشت. برای نیل به هدفهای انقلاب میتوان قیام خیابانی، قیام کابل، مجدد تقی خان بیسان، جنبش جنگل و همچنین نهضت ۲۱ آذر مردم آذربایجان را ادامه انقلاب مشروطه ایران بحساب آورد.

تأمین استقلال واقعی ایران، برانداختن هر گونه نفوذ استعمار، انجام اصلاحات عمیق اجتماعی، استقرار آزادیهای دموکراتیک که هدفهای اساسی انقلاب مشروطه را تشکیل میداد اکنون نیز بعنوان وظائف مردم در برابر خلقهای ایران قرار دارد.

### دنیاله از صفحه ۴

#### دو قضاوت نادرست

انتقاد از خود نیرداخته است. اگر هنوز نقابصی وجود دارد، نشانه برنجی فعالیتهای اجتماعی است، بوژه نشانه برنجی و دشواری شرایطی است که حزب توده ایران در آن فعالیت میکند. گذشته از این کدام سازمان سیاسی بی نقص است؟ اگر کسی چنین ادعائی کند فقط خود فریبی میکند. اتفاقاً نقائص سازمانهای دیگر بر مراتب بیشتر و عمل آن بر مراتب ذمی تر از آن چیزی است که در حزب مابقیست. اگر ما نقائص و اشتباهات گذشته دیگران را مطرح میکنیم و مورد انتقاد قرار نمیدهیم، به این دلیل است که قادر به این کار نیستیم، بلکه آنرا در شرایطی که باید به نقاط مشترک تکیه کرد، لازم میدانیم. امکان اشتباه در آینده هم وجود دارد زیرا بقول لنین آنکس که کار نمیکند اشتباه نمیکند. بنابراین این صحبت بر سر اشتباه نکردن نیست و نمیتواند باشد. مسئله اینست که باید کمتر اشتباه کرد و اشتباه جبران ناپذیر نکرد. و اما اگر کسانی هستند که فکر میکنند از اشتباه معافه اشتباه میشوند موجودیت و تاریخ گذشته حزب توده ایران را نفی میکنند و یا

### جنبش دفاع از زندانیان

جامه اعتراض به توقیف های دستا آذربایجان و کردستان و اعدام گروهی از مردم آذربایجان و دستگیری گروهی بجزینتی از و اشتادان و تقاضای اعدام برای ۸ نفر از آنها گسترش بی پاینده حزب ما با ارسال پیام بهمه سازمانها و دمکراتیک جهان خواستار اعتراض به ترور ایران و دفاع از میهن پرستان آذربایجان شد. سازمانهای دانشجویان آذربایجان در خارج با تشکیل جلسات مصاحبه مطبوعاتی، تظاهرات بخش اعلامیه و ارسال تلگرافات اعتراض آمیز ایران نقش مهم و مؤثری در افشاء ماهیت متعصب رژیم ایران ایفا میکنند. بهر نتیجه این فعالیتها بسیاری از روزنامه سازمناهای دمکراتیک در کشور های خارج بپسری در ایران اعتراض کرده اند. از جمله آلفی و اندره توماس، شفای بین المللی حقوق بدانان دمکرات به ایران و از بازگشت گزارشی در این باره داده است امیدواریم متن آنرا در شماره آینده خوانندگان گرامی برسایم.

### دو ضایعه فرهنگی

با نهایت تأسف از درگذشت استاد اوسیا شناس پور داود و پستیاریست سرشنا اطلاع یافتیم. نخستین جهت تلاش برای آذربایجان با آرمیه کارکنهای اوست و متولوژی شناسی، روشنی و خودبینی از جهت حفظ سنت پرورش مینمایند. و خلق آثار عالی از این نو یک بجای خود در حیات فرهنگی ایران جایگه شایان ذکر است که استاد پور داود در مسائل و اجتماعی دارای نظراتی بود که حزب ما با پشت و پیاد کرد. ما از وی برای بزرگداشت فرهنگی اوست.

### دنیاله از صفحه ۱

پاینده باد خاطره قیام قهرمانانه ۲۱ آذر سرگوب آنرا مطرح نمودند و درست پس از جنبش خلق آذربایجان و بغزوات آن نهضت کردستانی را بخون کشیدند. مردم ایران خاطره قیامت و خونریزی در آذربایجان و کردستان فراموش نخواهند خاطره شهدای نهضت های آذربایجان و کردستان گرامی خواهند داشت.

جنبش دمکراتیک خلقهای آذربایجان و کردستان درخشانترین وقایع نهضت انقلابی معاصر است و بهین سبب است که همه ساله شاه و حاکمه ایران سرگوب وحشیانه آنرا بخت و بیروزی آنرا بمنزله سبب تحکیم قدرت و ستم دولتی میکنند. ولی علی رغم همه خونریزها و جانبا وجود دلایلیات مفرضانه دستیکه حاکمه یکساله خلق چیت آنرا بجای از خود بجای است که خاطره آن همچنان در ضمیر مردم پیروزه در میان خلقهای آذربایجان و کردستان از توتهای آن روشنی بخش راه آینده است. پاینده باد خاطره قیام قهرمانانه ۲۱ آذر پیروز باد مبارزه خلقهای آذربایجان و کردستان در اتحاد با مبارزه آزادیبخش تمام مردم ایران

اشتباهات تاریخی خود را توجیه کنند، در اشتباه اند. قبول خطا، بررسی ظلم کوشش در راه رفع آن، آنطور که میگوید فقط موجب سلامت و قدرت میشود. تاریخ هم قضاوت خود را دربار توده ایران آزهما اکنون کرده است و در آنرا دقیق تر و مؤکد تر خواهد کرد اینست که حزب توده ایران بزرگترین بر استقلال، دمکراسی و سوسیالیسم در بوده و همچنان نیز هست. م. م. م.